

منافع مشترک، چین و روسیه را به ایران نزدیک کرده است

ضرورت واقع گرایی در دیپلماسی



بازگشت تحریم‌ها علیه ایران در واقع نشان می‌دهد که کشورها از NPT مصادره به مطلوب کرده و هر زمان تمایل داشتند ؛ دیگران را مشمول تحریم می‌کنند، در حالی که طرف متعهد نباید مجازات شود

تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه در حال حاضر چین و روسیه به این واقعیت اذعان دارند که طرف غربی مسبب اصلی مشکلات برجام است، گفت: منافع مشترک سه کشور در مقطع کنونی آنها را به هم نزدیک ساخته است. روسیه اعلام کرده قطعنامه‌ها را قبول ندارد و اجرا نخواهد کرد و به نظر می‌رسد چین هم در عمل اجرا نخواهند کرد.

به گزارش ایرنا، اجماع شکل‌گرفته درباره بازگشت تحریم‌ها علیه ایران؛ شکننده‌ترین اشتراک دیدگاهی است که جامعه جهانی پس از مدت‌ها تجربه می‌کند. چین و روسیه دو عضو شورای امنیت، بازگشت تحریم‌ها را غیرقانونی و قطعنامه ۲۲۳۱ را پایان یافته اعلام کرده‌اند. کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و دوستان ملل هم بر پایان تحریم‌ها و بازگشت پرونده ایران به حالت عادی تأکید دارند. مجموع رویدادهای یک ماه گذشته حکایت از آن دارد که مواضع دو قدرت جهان و شماری از کشورهای نظام بین‌الملل در حال تغییر است.

مبنای چنین تغییراتی، کیفیت و تداوم آن‌ها موضوعاتی هستند که برای رسیدن به تحلیلی درست باید مورد ارزیابی قرار گیرند و به‌این منظور با «حسن بهشتی‌پور» تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداختیم.

چین و روسیه نمی‌خواهند طرف متعد در برجام تنبیه شود

همزمان با پایان قطعنامه ۲۲۳۱ و از سوی دیگر بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، چین و روسیه بر پایان این قطعنامه و غیرقانونی بودن بازگشت تحریم‌ها تأکید کردند؛ این موضع یکن و مسکو را در شرایط کنونی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای ارزیابی این موضوع باید به تاریخ روند گذشته توجه کنیم. بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ که این قطعنامه‌ها علیه ایران صادر می‌شد، هم چین و هم روسیه به آن‌ها رأی مثبت دادند. به این دلیل که چین و روسیه، مانند آمریکا و اروپا، تصور می‌کردند قصد ایران از غنی‌سازی اورانیوم؛ تولید سلاح هسته‌ای است. ما باید بدون تعارف و مجامله این را هم بپذیریم که می‌دانستیم چین و روسیه نه به خاطر همراهی با آمریکا یا اروپا، بلکه به این خاطر که آنها ایران دارای سلاح هسته‌ای را تهدیدی علیه خود می‌دیدند، به آن قطعنامه‌ها رای مثبت می‌دادند. این نکته بسیار مهمی است تا دلیل مخالفت امروز چین و روسیه را درک کنیم.

واقعیت آن است که وقتی ایران برجام را امضا و ۱۵ گزارش مدیرکل وقت آژانس تأیید کرد که ایران تمام تعهدات خود در چارچوب برجام را تا قبل از خروج آمریکا از این توافق یعنی در اردیبهشت ۹۷ و حتی یک سال پس از آن انجام داده است؛ چین و روسیه با این واقعیت مواجه شدند که نهاد بین‌المللی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌صراحت دارد تأیید می‌کند که تمام تعهداتی که در برجام و قطعنامه شورای امنیت (یعنی ۲۲۳۱) پیش‌بینی شده بود؛ اجرا شده است و به همین دلیل در این مقطع موضع چین و روسیه نسبت به گذشته تغییر کرد و این دو کشور به‌صراحت از خروج آمریکا از برجام انتقاد کردند.

اروپایی‌ها هم در مقطع خروج آمریکا تعهد کردند که آن در جریان کنند و حتی به ایران پازده بند وعده‌مکتوب دادند اما در عمل هیچ یک را اجرا نکردند. بنابراین در حال حاضر و پس از گذشت ۱۰ سال، چین و روسیه به این واقعیت اذعان می‌کنند که طرف مقابل مسبب اصلی مشکلات در اجرا نشدن برجام بوده است، طرف ایرانی طبق گزارش آژانس، برجام را اجرا کرده و این اروپایی‌ها بودند که خلف وعده کرده و به بهانه آنکه مشمول تحریم‌های آمریکا می‌شوند؛ تعهدات خود را انجام ندادند.

در این چارچوب حقوقی این وجه قضیه کاملاً

سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس:

کاهش ۸ مصداق مجازات اعدام در لایحه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر

سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، گفت: تقریباً ۸ مصداق مجازات اعدام در لایحه کاهش مبارزه با مواد مخدر کاهش یافته است. حذف اعدام‌ها و جایگزینی مجازات‌های دیگر می‌تواند به پیشگیری بهتر از جرم کمک کند.

علی آذری، سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با برنا در مورد سخنان رئیس جمهور مبنی بر لزوم اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، گفت: اصلاح برخی از قوانین می‌تواند تأثیرات مثبتی بر مدیریت دولت و حکمرانی داشته باشد.

قانون مبارزه با مواد مخدر در طول چندین دهه پس از انقلاب تغییراتی را تجربه کرده است و بیشتر حبس‌ها نیز مرتبط با این حوزه هستند. هزینه‌های داخلی و خارجی ناشی از این قوانین بسیار زیاد است که در همین راستا دولت لایحه ای را برای اصلاح قانون به مجلس ارائه کرد که از این اقدام رئیس‌جمهور برای ارائه لایحه جدید تشکر می‌کنیم.

وی با اشاره به کاهش مصداق‌های مجازات اعدام در لایحه جدید، گفت: تقریباً ۸ مصداق مجازات اعدام در لایحه جدید کاهش یافته است. حذف اعدام‌ها و جایگزینی مجازات‌های دیگر می‌تواند به پیشگیری بهتر از جرم کمک کند.

آذری همچنین به مدیریت مصرف مواد مخدر و نحوه مداخله دولت در مدیریت متادین متجاهر اشاره کرد و افزود: باید از الگوهای موفق سایر کشورها در این زمینه استفاده کنیم.

وی خاطر نشان کرد: رسانه‌ها و کارشناسان باید در این فرآیند همکاری کنند تا بتوانیم به اصلاحات لازم در حوزه مواد مخدر دست یابیم و به یک تفاهم جامع با دولت برسیم.

مشخص است که چین و روسیه از موضع ایران به دلیل عدم اشاعه هسته‌ای حمایت کرده و تلاش می‌کنند رویه موجود منجر به بی‌اعتباری آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و آسیب به NPT نشود. بازگشت تحریم‌ها علیه ایران در واقع نشان می‌دهد که کشورها از NPT مصادره به مطلوب کرده و هر زمان تمایل داشتند ؛ دیگران را مشمول تحریم می‌کنند، در حالی که طرف متعهد نباید مجازات شود.

نکته مهم‌تر این است که اروپایی‌ها سازوکار پیش‌بینی‌شده در برجام را طبق مواد ۳۶ و ۳۷ اجرا نکردند. به این معنا که آن‌ها ابتدا باید این موضوع را که آیا نقض فاحش برجام صورت گرفته یا نه، را بررسی می‌کردند و اگر به نتیجه می‌رسیدند، به همان راهکار عمل می‌کردند، اما اگر نمی‌رسیدند، موضوع باید به یک کمیته حکمیت ارجاع داده می‌شد. در این کمیته سه جانبه یک طرف مدعی نقض برجام، طرف دیگر ناقض برجام و طرف ثالث، یکی از کشورهای بی‌طرف عضو برجام بود. این موضوع باید بررسی می‌شد و در صورت

بی‌نتیجه ماندن دوباره موضوع به اجلاس وزری خارجه ارجاع می‌شد. این روند دقیقاً در ماده ۳۶ آمده و مراحل آن هم پیش‌بینی شده است، حتی حداکثر زمان هم تعیین کرده‌اند تا الی یوم‌القیامه ادامه پیدا نکند؛ مثلاً گفته‌اند ۱۵ روز اگر نتیجه داد و اگر نداد، باید به مرحله بعد منتقل شود و به این ترتیب، کل روند حداکثر دو ماه طول می‌کشید. اروپا حتی این روند را هم اجرا نکرد و با عجله و علیرغم همه رویه‌های حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ را بازگرداند و متأسفانه دبیرخانه شورای امنیت هم بررسی آن را در همان دوره‌ای که کره جنوبی ریاست دوره‌ای شورای امنیت را بر عهده داشت، ابلاغ کرد. با بررسی این بعد حقوقی، مشخص می‌شود که ایران کاملاً حق به جانب است اما در دنیای زورگویی معاصر، موضوع حقوقی چندان ملاک نیست، بلکه آنچه عمل می‌شود زور و قدرت است و در عمل این قطعنامه‌ها از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر علیه ایران و از ۶ همراه بازگشته است.

یکن و مسکو تحریم‌های ایران را اجرا نخواهند کرد
همزمان با بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، میزان همراهی کشورهای مختلف از جمله چین و و روسیه با آن مهم به نظر می‌رسد؛ ارزیابی شما از این همراهی چیست؟ چین و روسیه تا چه اندازه به تحریم‌های شورای امنیت اهمیت خواهند داد؟ روسیه در دوره ریاست بر شورای امنیت و تا دوره پایان اکتبر، از ابلاغ سازوکار تحریم و بودجه‌ای که باید در شورای امنیت تصویب شود، جلوگیری کرده و این موضوع را ابلاغ نکرده است. روسیه در عمل اعلام کرده که نه‌تنها این قطعنامه‌ها را قبول ندارد، بلکه آن‌ها را پایان‌یافته تلقی می‌کند و

چون خود را متعهد به اجرا نمی‌بیند بر این اساس هم اجرا نخواهد کرد. چینی‌ها هم به صراحت مخالفت کردند اما تاکنون به صورت رسمی اعلام نکرده‌اند که قطعنامه‌ها را اجرا نخواهند کرد اما به نظر می‌رسد، آن‌ها هم در عمل اجرا خواهند کرد، همچنان‌که در گذشته و در بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ هم در عمل بسیاری از آن‌ها را اجرا نکردند. واقعیت تلخ این است که به صرف اینکه ایران به عدم اجماع یا عدم بازگشت قطعنامه‌ها معتقد باشد، کافی نیست و واقعیت این است که متأسفانه این نظام زور و سلطه‌جو عملاً این کار را انجام داده است. با این همه ایران می‌تواند با ترغیب کشورها به عدم اجرای آن تا حدودی موضوع را مدیریت کند و به همین دلیل نکته بسیار مهم آن است که باید در ارتباط با برخی کشورهای همسایه مانند ترکیه و امارات که به اجرای قطعنامه‌ها پیوسته‌اند، به رفتار خود توجه کنیم. این میان اقدامی که به نظر من موثر خواهد بود؛ انجام اصلاحات اقتصادی در داخل کشور است تا اثربخشی این تحریم‌ها به حداقل برسد.

در بررسی حمایت‌های دیگر کشورها باید به عنصر واقع گرایی توجه کنیم

چین و روسیه در زمان تصویب قطعنامه‌ها با آن‌ها همراهی کردند، این بار اما به نظر می‌رسد تفاوتی نسبت به دور قبل وجود دارد و این دو کشور در کنار نزدیک به ۱۲۰ کشور از بازگشت تحریم‌ها حمایت نکردند؛ این شرایط چه امتیاز یا کمکی برای ایران دارد. در بررسی تمام این همراهی‌ها ما باید به عنصر واقع گرایی توجه کنیم. واقع گرایی به ما یاد می‌دهد که به موضوعات، اقدامات و مواضعی توجه و اعتماد کنیم که عملاً تأثیر و نتیجه‌ای برای کشور به همراه دارد. واقعیت آن است برخی از این کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد در مقام عمل چندان همراهی موثر ندارند. همین اعضای جنبش عدم تعهد که عضو شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بودند، در آن دوره که رأی‌گیری شد به نفع ایران رای دادند.

در دنیای امروز، محور اصلی قدرت است و کشورها بر اساس منافعشان عمل و برای کشور دیگر دلسوزی نمی‌کنند. ایران هم در سازمان ملل، جنبش عدم تعهد، و دیگر سازمان‌ها و نهادها بر اساس منافع خود عمل می‌کند. بر همین اساس به اعتقاد من اقدام موثر رویکرد اتکا به مردم است و ما باید سعی کنیم مردم را راضی نگه داشته و فشار زندگی آن‌ها را کاهش دهیم. راهکار کاهش فشار بر مردم هم اصلاحات اقتصادی است که نزدیک به دو دهه در دولت‌های مختلف مطرح شده اما اجرا نشده است و مشخص هم نیست تا چه زمانی قرار است در حد حرف باقی بماند. اجرای این اصلاحات تولید ملی را افزایش خواهد

داد و این افزایش در این شرایط، موجب کاهش اثر فشار ناشی از تحریم‌ها خواهد شد و در این تردیدی وجود ندارد. اینکه چرا چنین اصلاحاتی انجام نمی‌شود را باید از مسئولینی که در ۲۰ سال گذشته انجام نداده‌اند پرسید.

امروز روسیه و چین دنبال نابودی آمریکا نیستند
کنار هم قرار گرفتن ایران و روسیه و چین در مقطع کنونی آیا به معنای شکل‌گیری نظامی نوین و بلوکی جدید است یا مجموع شرایط دو کشور را به ایران نزدیک کرده است؟

برای پاسخ دقیق به این پرسش و اینکه آیا واقعاً یک نظم جدیدی در حال شکل‌گیری است یا نه، باید به «روندها» توجه کنیم، نه به یک اقدام مقطعی. برای مثال صدور یک بیانیه مشترک نباید ملاک تحلیل ما باشد و به این نتیجه برسیم که پس نظم نوینی در سطح بین‌المللی شکل گرفته است که در یک طرف آن ایران، چین، روسیه و یا حتی هند قرار دارند و از طرف دیگر آمریکا و متحدانش در اروپا. این برداشت درست نیست و این گونه نتیجه‌گیری‌ها علمی نبوده و مبنای تحلیلی ندارد. زمانی تحلیل ما دقیق است که روندها را ببینیم؛ به این معنا که بدانیم از گذشته چه اقدامات مشترکی بین ایران و روسیه انجام شده، و وزن و تأثیرگذاری این همکاری‌ها در نظم بین‌المللی جدیدی که در حال گذار هستیم، چقدر است. در حال حاضر هنوز نظامی در جهان شکل نگرفته و ما در حال گذار از یک نظم قدیمی به یک نظم جدید هستیم. به همین دلیل باید در تحلیل‌ها به این موضوع مهم توجه کرد که در این نظم جدید، وزن و تأثیرگذاری این سه کشور چقدر واقعی است و تا چه حد می‌توانند این نظم را شکل دهند؟

روندی که من، به‌عنوان یک پژوهشگر، در روابط ایران، روسیه و چین مطالعه کرده‌ام، فعلاً نشان‌دهنده یک نظم جدید نیست؛ بلکه نشان‌دهنده سطحی از همکاری‌های جدید است. روسیه تحت تحریم شدید قرار گرفته، چین چالش‌های جدی با ترامپ و دولت آمریکا دارد و ایران هم تحت تحریم شدید آمریکا و اروپاست. این منافع مشترک است که این سه کشور را به هم نزدیک کرده است و به سمت همکاری‌های جدید سوق می‌دهد. اما اینکه این همکاری‌ها بتوانند در شکل‌گیری یک نظم جدید در سطح بین‌المللی تأثیرگذار باشد، چنین قرائن و شواهدی فعلاً دیده نمی‌شود.

به این دلیل که چین و روسیه هر لحظه ممکن است با غرب معامله و تعامل کنند. برخلاف بلوک‌های ایدئولوژیک گذشته مثل اتحاد جماهیر شوروی که دنبال نابودی آمریکا بود، امروز روسیه و چین دنبال نابودی آمریکا نیستند؛ بلکه بر اساس منافع خودشان دنبال تعامل هستند.



سلاح گروه‌های مسلح ضد انقلاب در شمال عراق تأکید کرد و گفت: سرزمین اقلیم مبدا اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. وزیر کشور حکومت اقلیم کردی عراق نیز که در این دیدار حضور داشت، بر عزم این حکومت برای پیگیری اجرای توافق‌نامه امنیتی بین دو اسلامی ایران را ندارد. وزیر کشور حکومت اقلیم کردی عراق نیز که در این دیدار حضور داشت، بر عزم این حکومت برای پیگیری اجرای توافق‌نامه امنیتی بین دو کشور از جمله خلع

سخن نخست

پایان تنبیه بدنی کودکان در مدارس

ادامه از صفحه یک

در دوران معاصر که نظام‌های آموزشی جهان در مسیر تربیت انسان خلاق، گفت‌وگومدار و باوجدان حرکت می‌کنند، هنوز گزارش‌هایی از تنبیه بدنی در برخی مدارس دیده می‌شود؛ رفتاری که نه‌تنها با کرامت انسانی و اصول تربیتی سازگار نیست، بلکه نقض آشکار حقوق کودک و مغایر با وظایف قانونی و اخلاقی معلمان است.

در گذشته، مدرسه بر پایه‌ی نظم آهنین و اطاعت کورکورانه بنا شده بود. معلم اقتدار مطلق داشت و کودک، شونده‌ی مطیع. اما تحولات علمی در روان‌شناسی تربیتی و نظریه‌های جدید یادگیری نشان داده است که انضباط واقعی از درون می‌جوشد، نه از ترس. کودکی که در اثر تنبیه مطیع می‌شود، در واقع از ترس رفتار می‌کند نه از درک. چنین اطاعتی، سطحی، شکننده و فاقد ارزش تربیتی است. تربیت حقیقی، زمانی شکل می‌گیرد که کودک بداند چرا باید رفتار درست را انتخاب کند و مسئولیت پیامدهای اعمال خود را بپذیرد.

مطالعات روان‌شناسی رشد به روشنی نشان داده است که تنبیه بدنی نه تنها رفتار نادرست را اصلاح نمی‌کند، بلکه سبب افزایش پرخاشگری، اضطراب، دروغ‌گویی و بی‌اعتمادی به معلم می‌شود. کودکی که تجربه‌ی تحقیر یا ضرب را در مدرسه از سر می‌گذراند، احساس امنیت آموزشی خود را از دست می‌دهد و ذهنش از یادگیری به بقا تغییر مسیر می‌دهد. به تعبیر کارشناسان تعلیم و تربیت، تنبیه بدنی حافظه‌ی شناختی را مختل و فرآیند یادگیری عمیق را متوقف می‌کند. در درازمدت نیز، احساس بی‌ارزشی، انزوا و حتی تمایل به خشونت در روابط اجتماعی را افزایش می‌دهد.

از منظر حقوقی، تنبیه بدنی کودک در مدرسه نقض اصول بنیادین کرامت انسانی است.

بر اساس پیمان‌نامه حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) که ایران نیز به آن پیوسته، دولت‌ها موظف‌اند از هرگونه خشونت جسمی و روانی علیه کودکان در محیط‌های آموزشی جلوگیری کنند (مواد ۱۹ و ۲۸).

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز، هرگونه رفتار خشن، تحقیرآمیز یا آسیب‌زا نسبت به کودک، جرم محسوب می‌شود.

افزون بر این، بخشنامه‌های متعدد وزارت آموزش و پرورش به صراحت هر شکل از تنبیه جسمی و روانی را ممنوع کرده و مدارس را ملزم به گزارش موارد نقض کرده است. با این حال، فاصله‌ی میان قانون و عمل، هنوز چالش اصلی است. نبود سازوکار نظارتی کارآمد، ضعف آموزش حقوق کودک در دوره‌های تربیت معلم، و تداوم فرهنگ سنتی «خشونت برای نظم»، مانع تحقق کامل این ممنوعیت شده است. معلمان امروز در برابر دانش‌آموزانی قرار دارند که به «نسل زد و آلفا» معروف‌اند؛ کودکانی که از بدو کودکی با فناوری، شبکه‌های اجتماعی و آزادی بیان رشد کرده‌اند. آنان کمتر بپذیری اقتدار مطلق‌اند و بیشتر با منطق گفت‌وگو و احترام متقابل تعامل می‌کنند. در چنین شرایطی، عملی که آموزش لازم در زمینه‌ی روان‌شناسی رشد، ارتباط مؤثر و حقوق کودک ندیده باشد، ممکن است در مواجهه با رفتارهای پرچالش، دچار درماندگی شود و از سر استیصال به رفتار خشن روی آورد.

بنابراین، آموزش حقوق کودک به معلمان نسل زد، ضرورتی حیاتی است. معلم باید بداند که در هر شرایطی، کودک دارای حق امنیت، کرامت و رشد است و هیچ هدف تربیتی، خشونت را توجیه نمی‌کند.

جایگزین تنبیه بدنی، نه بی‌انضباطی است و نه تساهل بی‌بفید، بلکه انضباط در پرتو گفت‌وگو، درک و مشارکت است. برخی از روش‌های مؤثر عبارت‌اند از:

- گفت‌وگوی اصلاحی: دعوت کودک به بیان احساس و دلیل رفتارش، بدون سرزنش و تهدید.
- پاداش معنوی و تشویق رفتار مثبت: به‌جای تمرکز بر خطا، توجه به پیشرفت‌ها و تلاش‌ها.
- مسئولیت‌سپاری تربیتی: واگذاری نقش‌های کوچک در کلاس برای تقویت حس اعتماد و مسئولیت.
- میانجیگری و مشاوره مدرسه‌ای: بهره‌گیری از مشاوران برای حل تعارض‌های رفتاری بدون خشونت.
- آموزش مهارت‌های خودکنترلی: آموزش صبر، همدلی و مهارت تصمیم‌گیری به دانش‌آموزان از سنین پایین.

برای تحقق کامل ممنوعیت تنبیه بدنی، اقدامات زیر ضروری است:

- گنجاندن آموزش حقوق کودک در دوره‌های ضمن خدمت معلمان، به‌ویژه در سطوح ابتدایی.
- ایجاد نظام پایش ملی رفتارهای تربیتی در مدارس با سازوکارهای گزارش‌دهی امن و بی‌طرفانه.
- تدوین آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای معلمان با محوریت کرامت کودک و مسئولیت‌پذیری آموزشی.
- تقویت همکاری میان وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و قوه قضائیه در رسیدگی به موارد نقض حقوق کودک در مدرسه.
- تولید محتوای آموزشی و فرهنگی برای والدین تا الگوی تربیتی خانه و مدرسه هم‌ساز شود.

مدرسه آینده، مدرسه‌ی گفت‌وگو، احترام و خودشناسی است، نه ترس و اطاعت. عملی که از حقوق کودک آگاه است، نه تنها خشونت نمی‌کند، بلکه به مروج کرامت انسانی بدل می‌شود. ممنوعیت تنبیه بدنی، صرفاً حذف یک رفتار نیست؛ بازآفرینی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت است. فلسفه‌ای که به جای کنترل، به پرورش می‌اندیشد؛ به جای انضباط ظاهری، به رشد درونی؛ و به جای ترس، به اعتماد. آموزش حقوق کودک به معلمان، نه یک توصیه جانبی، بلکه سنگ‌بنای اصلاح نظام تربیت است. جامعه‌ای که معلمانش به کرامت کودک باور دارند، آینده‌ای امن‌تر، انسانی‌تر و عدالت‌محورتر خواهد ساخت.

اخبار

مردم ایران معتقدند آمریکا دیگر قدرت برتر جهانی نخواهد بود

یک پژوهشگر و تحلیلگر اجتماعی گفت: در پرسش‌های مربوط به افول قدرت آمریکا، ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان ایرانی معتقدند که آمریکا طی ده سال آینده دیگر قدرت برتر جهانی نخواهد بود.

به گزارش مهر، علی فلاحتی، پژوهشگر و تحلیلگر اجتماعی در نشست خبری، ضمن ارائه گزارش «نظرسنجی استکبارستیزی و نگرش به افول هژمونی آمریکا در ایران»، به تشریح یافته‌های این پیمایش ملی پرداخت و با اشاره به نتایج تحقیق درباره «محور مقاومت»، اظهار کرد: در پرسش‌های مربوط به افول قدرت آمریکا، ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان در سایر استان‌ها و تقریباً همین میزان در تهران، معتقدند که ایالات متحده طی ده سال آینده دیگر قدرت برتر جهانی نخواهد بود. به گفته این پژوهشگر، میزان افرادی که آمریکا را مدافع حقوق بشر می‌دانند در تهران تنها ۱۴ درصد است، در حالی که ۶۳.۷ درصد از تهرانی‌ها آمریکا را عامل اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه تلقی می‌کنند. همچنین بیش از نیمی از شهروندان کشور یعنی حدود ۵۵ درصد، ایالات متحده را مقصر اصلی در آغاز جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی دانسته‌اند. فلاحتی با اشاره به یافته‌های دیگر این پیمایش، گفت: ۶۶ درصد از مردم در تهران و ۷۲ درصد در سایر استان‌ها بر این باورند که ایران باید پاسخ‌مستقیم به حملات دشمن دهد. وی در بخش دیگری از سخنان خود به نتایج نظرسنجی‌های مشابه در خارج از کشور اشاره کرد و گفت: در یکی از پیمایش‌های انجام‌شده میان شهروندان آمریکایی، ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به پاسخ احتمالی جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. وی در پایان خاطرنشان کرد: هدف از این‌گونه پیمایش‌ها، دستیابی به روایت دقیق و علمی از دیدگاه مردم ایران نسبت به ایالات متحده و محور مقاومت است تا بر پایه آن، سیاست‌گذاری‌های مؤثرتری در عرصه اجتماعی و رسانه‌ای انجام شود.